

قضاء و چگونگی آفرینش عدالت

قسمت هفدهم

عرض آگهی: گرچه محتوای این نبشته قبلن درج یک مقاله بطور گسترده انتشار یافته و بسا مطالب آن در قسمتهای گذشته تذکر داده شده اما نیاز و ضرورت آن دیده شد که با اندک تصرف و اضافت لازم درین قسمت که بر پژوهش فعلی ارتباط مستقیم دارد تقدیم گردد - شما لطفن حین مطالعه این بخش شرایط زمان آن را در نظر گیرید:

شرط تکوین عدالت قضائی؛ تطبیق سالم قواعد شرعی، احکام قانون و حاکمیت آن است. مگر کدام امکانات میتواند وسیله برای تطبیق قانون و تأمین عدالت قضائی گردد؟

بر پایه گذارشات ارائه شده قضاء در مین ماسابقه طولانی داشته و این ارگان همیشه مطابق سیاست رژیم های زمان و سیاست های حاکمیت بر سر اقتدار و وظیفه خویش را وفق احکام قوانین نافذ وقت انجام داده اند طبعاً قوانین نافذ زمان گویای اراده رژیم و یا حاکمیت وقت بوده است که قضاء به چگونگی محتوای قوانین مدون و مسجل کاری نداشته و قوه قضاء و محاکم همیشه تابع احکام قوانین و مکلف به تطبیق آن است ازینرو قضاء و دادگاه های افغانستان را بایست تحت شرایط بخصوص و سیاست های موجود همان دوره و مقطع زمانی خاص آن در نظر داشته و هر مطلبی را که به ارتباط دادگاه و قضاء تحت بررسی می گیریم شرایط خاص همان زمان را در رأس مطلب قرار دهیم و اراده رژیم و قدرت زمان را از محتوای مصادر و قوانین شان بشناسیم آنگاه دیده میشود که احکام قوانین نافذ در هر دوره از تاریخ به اساس اراده و خواست رژیم های حاکم وسیله قضاء و دادگاه مطابق صلاحیت داده شده به آنها تطبیق و اجرا گردیده است.

ولی باید متوجه بود که سلامت تطبیق قوانین و اجرائات دادگاه ها و تأمین عدالت قضائی را اساساً میتوان در موجودیت و گرویک سلسله شرایط و عواملی جستجو کرد که قضاء با ناگزیری مطاع آن و یا بارضائیت خاطر تحت تأثیر و انگیزه های گوناگون دیگر نتوانسته انداز آن دایره خارج گردند، پس ازین فهم و درک صحیح میتوانیم داورى عادلانه نمایم که قضاوت در آن برهه زمانی به چه منوال بوده و دادگاه ها وظیفه خود ها را طور قانونی انجام و قانون را تطبیق و عدالت را تأمین کرده اند؟

بر مبنای آنچه گذشت مرا عقیده بر آنست: اگر کار و اعمال قضایی را در گذشته و آینده مثبت و یا منفی ارزیابی مینماییم بایست عناصر متشکله زیرین را در ایجاد و تأمین عدالت زمان مؤثرو پایه دار بشماریم در غیر آن گمان برم رسیدن به اهداف و واقعی که عدالت نسبی قضائی در آن مضمحل باشد دشوار خواهد بود پس میتوانیم عناصر آتی را که در ایجاد و یا زدودن فقر عدالت مؤثر است چنین دسته بندی کنیم:

- ۱ - اراده رژیم بر سر اقتدار دایر بر تأمین عدالت ...
- ۲ - محتوا و داشته های قوانین که بتواند عدالت را به وجه احسن تأمین نماید.
- ۳ - استقلال قضاء به معنای واقعی آن در جهت تطبیق سالم قوانین و تأمین عدالت .
- ۴ - دقت بسیار جدی و ارزیابی های همه جانبه در پذیرش قضات، بویژه شهرت نیک، کارکرد های سابقه، غیر وابسته و بیطرف بودن آنها.
- ۵ - تجهیز قضات با دانش قانونی و حقوقی صداقت و راستکاری .
- ۶ - تأمین مالی امنیت مطمئن تهیه محل و مسکن مصئون برای قضات.
- ۷ - جلوگیری همه جانبه و جدی از مداخلات ادارات ملکی نظامی و امنیتی در امور قضاء .
- ۸ - اداره خاص اطلاعات و کنترل دقیق و قابل اعتماد برای قضات و دادگاه.

۹ - تعیین اشخاص مسلکی مجرب و طرف اعتماد برای کشف تخلفات قانونی و سوء استفاده ها در سطح قوه قضاء.

۱۰ - محور پاک سازی تعصبات گوناگون از دامن قضاء و قضات بمنظور تطبیق سالم قوانین و تأمین عدالت قضائی.

۱۱ - ممانعت و جلوگیری بعضی اشخاص بلند پایه و با قدرت قوه قضاء از حمایت قضات و کارمندان متخلف و استفاده جو.

۱۲ - مراقبت جدی و مطمئن از دادگاه ها در راه ریشه سوزی فساد و تعمیم اجرائات شفاف قانونی.

۱۳ - آماده سازی دفاتر و ادارات مناسب با ضروریات مکمل برای دادگاه ها.

۱۴ - رعایت عادلانه مکافات و مجازات.

۱۵ - مراقبت بسیار جدی و همه جانبه ی مالی و دارائی های قضات قبل از شمول به قضاء، در جریان کار قضائی و بعد از انفصال و وظیفه.

تحقق و توافر شرایط فوق و در تداوم آن اجرائات مسؤلانه در جهت تطبیق صادقانه احکام قوانین عدالت قضائی را به وجه احسن تأمین و حقوق افراد جامعه تا جاییکه به محکمه ارتباط میگیرد حفظ و عدالت حقوقی نیز تأمین میشود.

زمانیکه دادگاه و قضا با استقلال کامل قضائی متکی به امکانات یاد شده در یک فضای آرام و بدون تشویش با درک مسؤلیت آینده اصدار حکم میکند مسلماً آرمان و اهداف پیشبینی شده قانون مبنی بر حاکمیت نظام حقوقی و قانونی بر آورده میشود.

تجارب دنیای متمدن با موجودیت حاکمیت قانون گواه آن است که قوه مستقل قضاء در جنب دوقوای دیگر در بدنه نظام سیاسی می تواند عدالت قضائی را بطور احسن تأمین، نظام حقوقی را گسترش و اهداف دادگاه و قضا را بر آورده سازد. و طبعاً چنین فضا برای تأمین امنیت و آرامش جامعه تأثیر گذار و ممد واقع می شود.

ولی به یقین: نبود امکانات و شرایط یاد شده در مجموع و یاشماری از آنها میتواند تأثیرات خیلی نامطلوب برای عدالت قضائی و اجتماعی بار آورده و زمینه ساز برای انحرافات نظام شیوع جنایات و انحطاط جامعه گردد.

- دستگاه قضائی کشور ما گاهی این امکانات را تجربه کرده اند؟ -

از موجودیت واقعیت های عینی و محسوس شرایط در جامعه ما انکار نمیتوان کرد که آن همه شرایط و عناصریکه برای تکوین و تکمیل عدالت قضائی شامل لست گردید و مؤثر خوانده شد بطور کامل نه برای قضاء در وطن ما میسر بوده است و نه برای قضات آن.

پس بد روزی های قضاء با فقر اکثر شرایط لازمه قضائی با این حالت اسفبار با تخلفات قانونی کما کان ادامه داشته و تداوم و تسلسل چنین حالات طبعاً فاصله بی اعتمادی و بی اعتباری را بین قضا و مردم ایجاد می کند.

ما تا ایندم هوس آماده سازی شرایط کامل برای قضاء، محاکم و قضات را بگونه جهان پیشرفته و متمدن داشته ایم تا فرضیه عدالت ایدئال قضائی را به عمل پیاده و به آرزوی اصلی برسیم و یا در راه رسیدن و توصل به آن تا سرحد نهائی برزیم و بکوشیم و اگر با وجود این همه تلاش و پیکار - آن عنقای سعادت میسر ما نگردید اکنون با شرایط و امکانات دست داشته خویش در راه ایجاد حاکمیت قانون و گسترش نظام حقوقی آنچه در توان داریم و می توانیم انجام و به سر رسانیم.

یاد داشت: (محتوای این بخش قبلن درج یک مقاله انتشار یافته است).

ادامه دارد.

با تقدیم حرمت سخی صمیم.